

برونو لاتور

کجا فرود بیاییم؟

بستاری در اقلیم‌شناسی سیاسی

ترجمه

عبدالحسین بیک‌گه



فرهنگ معاصر
انتشارات

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری به صورت‌های مختلف از قبیل PDF، Online، و یا تکثیر به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً قابل تعقیب قانونی است.

سخن مترجم

۱. درباره کتاب

کتاب «کجا فرود بیایم»^۱ که در اکتبر ۲۰۱۷ منتشر شده است، بنا دارد به هم پیوسته‌گی سه پدیده‌ای را نشان دهد که تحلیل‌گران اجتماعی و سیاسی آنها را سناسایی کرده‌اند بدون آنکه هر آینه رابطه‌ای میانشان دیده باشند.

این سه پدیده عبارتند از:

۱. بی‌نظمی در مدیریت جهانی که رفته‌رفته بار معنایی منفی به فرایند «جهانی شدن» چارل دمی‌لخیخ می‌دهد؛
۲. انفجار سرگیجه‌آور نابرابری‌ها در سطح جهانی، که منجر به جرت‌ها را برانگیخته است؛
۳. تغییرات محیط‌زیستی و تلاش سینماتیک برای انکار وجود تغییرات اقلیمی.

درون‌مایه کتاب را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. اگر به مسئله تغییرات اقلیمی و به مطالبات جنبش‌های محیط‌زیستی توجه نشود، از موضع‌گیری‌های سیاسی در نفی و انکار تغییرات اقلیمی چیزی نمی‌فهمیم.

بدون قبول اینکه وارد رژیم جدید اقلیمی شده‌ایم نمی‌توان نه افزایش سرگیجه‌آوری نابرابری‌ها، نه بی‌نظمی در مدیریت جهانی، نه موج مهاجرت‌ها، نه رشد پوپولیسم و نه فروپاشی بنیان‌های همبستگی‌های اجتماعی را تبیین کرد.

۲. توجه به طبیعت را از نو باید به زمین معطوف کرد. این جهت‌یابی

جدید به جدایی میان موضع‌گیری‌های اقلیمی و موضع‌گیری‌های سیاسی پایان می‌دهد و در نتیجه می‌توان مطالبات محیط‌زیستی، مطالبات اجتماعی - سیاسی را یکپارچه کرد.

۳. این یکپارچه‌سازی مطالبات معنایش این است که ما از تحلیلی در چارچوب نظام‌های تولید (Systèmes de production) به تحلیلی در چارچوب نظام‌های ایجاد (Systèmes d'engendrement) گذر می‌کنیم. این دو نظام (تولید و ایجاد) از سه لحاظ متفاوتند:

۱. از لحاظ اصل (principe)، نظام تولید بر اصل آزادی کنشگران و نظام ایجاد بر اصل وابستگی آنان بنا شده است.

۲. در لحاظ نقشی که به انسان واگذار شده است؛ در نظام تولید نقش‌ها متمرکز افتاده‌اند، در حالی که در نظام ایجاد نقش‌های واگذار شده به انسان توزیع شده‌اند.

۳. از لحاظ نوع کنشی که متعهد می‌شوند متفاوتند: در نظام تولید، جنبش از نوع سب‌کار (مک‌ایسم) و در نظام ایجاد از نوع تکوینی (زایشی) است.

۲. درباره نویسنده

برونو لاتور، متولد ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ در بوردو، فرانسه، که در سال ۲۰۰۷ نامش در فهرست ده تن از پیرارجاع بین‌پژوه‌گران دنیا در حوزه تحقیقات علوم انسانی طبقه‌بندی شده است، در حال آکادمیک دنیا شخصیت شناخته شده‌ای است و این شهرت را او به واسطه مطالعات میدانی است که در حوزه جامعه‌شناسی علوم در خصوص کار دانشمندان در حین عمل و فرایند «تولید علم» انجام داده است. اینجا به عنوان نمونه‌ای از تحقیقات گوناگونش به اختصار «زندگی آزمایشگاهی»^۱

1. *Laboratory life: The Construction of scientific Facts*, Princeton University Press, Princeton, 1979.

(۱۹۷۹) را معرفی می‌کنیم. «زندگی آزمایشگاهی» گزارش تحقیق میدانی است که برونو لاتور با همکاری استیو وولگار^۱ در آزمایشگاه «نوروآندوکرینولوژی» (برهم کنشی سیستم عصبی و غدد درون‌ریز) دکتر روزه گیلمن^۲ در مؤسسه سالک (Salk) در سن‌دیه‌گو، کالیفرنیا انجام داده است. نتایج این تحقیق سهم قابل ملاحظه‌ای در پیشبرد جامعه‌شناسی علم داشته است. برونو لاتور با زیر نظر گرفتن دقیق شرحه اجرایی کار علمی از گذر توصیف رفتارهای متداول (روتین) آزمایشگاه مشاهده می‌کنند که مدیریت و پژوهشگران آزمایشگاه سالک علاوه بر نتایج تحقیق، به بازتاب‌های بیرونی انتشار مقاله‌ها، به داوری و به واسطه سیاست و اقتدار علمی پژوهشگران و به منابع مالی لازم برای انجام پژوهش‌های علمی نیز توجه دارند.

برونو لاتور فرایند تعقیب حیوانات یک برساخت اجتماعی تعریف می‌کند. در ضمن نقش انحصاری مواد و مصالح اجتماعی و انسانی را در برساخت واقعیت‌های اجتماعی مورد تردید قرار داده و از مشارکت عناصر غیرانسانی (اشیا) در برساخت واقعیت اجتماعی دفاع می‌کند. غیرانسان‌ها نه وسیله صرف‌اند در اختیار انسان و نه عناصر غیرفعال، بلکه آنها نیز در کنش و واکنش‌اند و در شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی و داده‌های علمی تأثیرگذارند. نظریه «کنشگر-شبکه» که برونو لاتور از مبتکران اصلی آن است، بنا دارد تقارن کسریه‌ای میان دنیای انسانی و غیرانسانی (اشیا) برقرار کند.

۳. عمده آثار برونو لاتور در ۴۰ سال گذشته

۱. زندگی آزمایشگاهی (۱۹۷۹) / *Laboratory Life* (1979)

۲. پاستوریزه کردن فرانسه (۱۹۸۱) / *The Pasteurization of France* (1984)

۳. علم در عمل (۱۹۸۷) / *Science in action* (1987)